



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



حضور
بانوان

در نقل

حدیث غدیر

نویسنده: ضیا مر تقوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضور بانوان در نقل حدیث غدیر

نویسنده:

ضیاء مرتضوی

ناشر چاپی:

علوم حدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	حضور بانوان در نقل حدیث غدیر
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاراتی چند
۸	زنان صحابه
۹	حضرت فاطمه زهرا
۹	ام سلمه، همسر پیامبر
۹	ام هانی، خواهر علی
۹	فاطمه بنت حمزه بن عبدالمطلب
۱۰	اسماء بنت عمیس
۱۰	عایشه بنت ابی بکر
۱۰	تابعین
۱۰	ام کلثوم بنت امیرالمؤمنین
۱۰	فاطمه و سکینه دختران سید الشهدا
۱۰	عایشه بنت سعد بن ابی وقاص
۱۱	عمیره بنت سعد بن مالک
۱۱	استدلال کنندگان
۱۱	فاطمه زهرا
۱۲	بانوی دارمیه حجونیه
۱۳	حدیث غدیر در روایت فاطمه ها
۱۳	اشاره
۱۴	روایت فاطمه ها
۱۴	نمودار سند ابن الجزری در روایت فاطمیات

۱۵-----پاورقی

۱۷-----درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حضور بانوان در نقل حدیث غدیر

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۷۷-۱۰۳۴۱

سرشناسه: مرتضوی، ضیا

عنوان و نام پدیدآور: حضور بانوان در نقل حدیث غدیر / مرتضوی، ضیا
منشا مقاله: علوم حدیث، سال ۳، ش ۱، (بهار ۱۳۷۷): ص ۱۶۲ - ۱۷۹.

توصیفگر: واقعه غدیر خم

توصیفگر: احادیث

توصیفگر: زنان

اشاراتی چند

۱ بدون تردید موضوع غدیر خم از مهمترین نقطه‌های عطف در تاریخ رسالت پیامبر اکرم (ص) است. هر چند معرفی امیرالمؤمنین (ع) به عنوان امام و خلیفه، بارها و به مناسبت‌های مختلف حتی از نخستین سال‌های بعثت از طرف پیامبر اکرم (ص) انجام یافته بود، اما آنچه پیامبر (ص) در غدیر خم مأموریت انجام آن را داشت، جایگاهی بس عظیم و روشن دارد. اگر به موقعیت تاریخی این حادثه و روش ابلاغ و تأکید مجدد این مأموریت و جوانب آن عنایت شود، و اگر به حجم عظیمی از تاریخ و فرهنگ اسلامی که این واقعه درخشان به خود اختصاص داده نگریسته شود، به عظمت این نقطه عطف، بیشتر پی خواهیم برد.

آنچه در هجده ذوالحجه رخ داد علاوه بر آنکه بخش وسیعی از کتابهای تاریخی و حدیثی مسلمانان را به خود اختصاص داد، حجم عظیمی از آفرینشهای ادبی را از همان ساعات نخست تاکنون به وجود آورده است. شعرهای بسیاری سروده شد و هنوز نیز این چشمه، جوشش دارد. سخنان بسیاری از پیامبر اکرم (ص) در مقاطع مختلف بیست و سه سال رسالت و حتی بیش از آن برجای مانده است. بسیاری از رهنمودهای آن حضرت نیز گرفتار سیاستهایی شد که از سر عمد و گاه برخاسته از جهل، نقل و نشر آنها را به صلاح نمی‌دیدند! در این میان آنچه در غدیر خم پیش آمد با اینکه از جانب دست‌های آشکار و پنهان، بیشترین انگیزه برای به فراموشی سپرده شدن آن وجود داشت، اقیما به خواست الهی، پیامبر اکرم (ص) به گونه‌ای این مأموریت را به انجام رساند که هیچ روایتی را نمی‌توان نشان داد که سلسله سند و طرق روایت آن به زیادی طرق روایت غدیر باشد.

۲ حدیث غدیر را احمد بن حنبل از چهل طریق، و طبری از هفتاد و چند طریق، و ابن عقده از صد و پنج طریق، و ابوسعید سجستانی از صد و بیست طریق، و دیگری از صد و بیست و پنج طریق نقل کرده است. برخی نیز گفته‌اند که صد و پنجاه طریق دارد. ابوالعلاء عطار همدانی، (متوفای ۵۶۹) می‌گفته است:

من این حدیث را از دویست و پنجاه طریق روایت می‌کنم. [۱].

مرحوم علامه امینی، که کتاب گرانقدر و حجت بالغه «الغدیر» را در همین زمینه نوشته است، نام صدوده نفر از صحابه رسول خدا (ص) را آورده که ماجرای غدیر را به اجمال یا تفصیل گزارش نموده‌اند. هیچ‌یک از وقایع و سخنان پیامبر (ص) را نمی‌توان یافت که این تعداد از صحابه حضرت (ص) آن را بازگو نموده باشند. همو نام هشتاد و چهار نفر از تابعین را برشمرده است که جزء راویان غدیرند. همت این عالم سترگ توانسته است نام سیصد و شصت نفر از دانشمندان که حدیث غدیر را گزارش کرده‌اند نیز فهرست نماید و این تعداد جدای از آنچه است که عالمان شیعه به انجام رسانده‌اند. اگر به آنچه گفته شد، فهرست دهها کتابی که

مستقلاً در این باره از نخستین قرنهای اسلامی نگاشته شده است اضافه شود، عظمت غدیر را در دستگاه فکری، اعتقادی، تاریخی و فرهنگی مسلمانان بیش از پیش در خواهیم یافت.

۳ از جمله موضوعات مورد توجه درباره حدیث غدیر استدلالها و احتجاجهایی به آن بوده است که در مراحل و به مناسبتهای گوناگون صورت گرفته است. از جمله توسط خود اهل بیت (ع) که بارها بدان استناد و استشهاد جسته اند. احتجاج حضرت فاطمه (س) از این جمله است. [۲] امیرالمؤمنین (ع) نیز در مقاطعی چند به آن استناد فرموده است و حتی حاضران را در خصوص آن به گواهی طلبیده است. از جمله می توان به جلسه معروف «رحبه» در کوفه اشاره کرد: به اجمال آنکه به امیرالمؤمنین (ع) خبر رسید که برخی در این باره که پیامبر (ص) او را بر دیگران مقدم داشته باشد، ایجاد تردید می کنند. حضرت (ع) در میان جمعیتی که در رحبه محل گردهمایی مردم، حضور یافت و از کسانی که در همان جلسه بودند و شاهد ماجرای غدیر بوده اند نسبت به موضوع غدیر گواهی خواست. براساس گزارش احمد بن حنبل، در آن روز، سی نفر که جمعی از آنان از مبارزان جنگ بدر بودند و طبعاً از چهره های معروف در جامعه اسلامی به شمار می رفتند به نفع حضرت (ع) شهادت دادند که نام بیست و چهار نفر از آنان در کتاب «الغدیر» ثبت شده است. [۳] این در حالی بود که این ماجرا در اوایل ورود حضرت (ع) به کوفه اتفاق افتاد؛ یعنی حداقل بیست و پنج سال از ماجرای غدیر رخ گذشته بود و در این فاصله جمع زیادی از شاهدان آن رخداد فوت کرده یا در جنگها کشته شده بودند؛ بسیاری از آنان در شهرهای مختلف پراکنده شده بودند و مرکز اصلی حضور صحابه نیز شهر مدینه بود و تنها آن دسته از صحابه که به تبع و در پشتیبانی از حضرت (ع) در دوره خلافتش به کوفه آمده بودند در کوفه حضور داشتند و این جلسه نیز بدون پیش بینی و اعلام قبلی اتفاق افتاد و لذا به گونه ای نبود که گواهان دیگر بتوانند خود را به آن برسانند. با این همه، این تعداد افراد بر جریان غدیر در همان جلسه شهادت دادند. البته برخی نیز تغافل نموده و حاضر به شهادت دادن نشدند که به نفرین حضرت (ع) گرفتار آمدند و رسوایی آنان برای همیشه باقی ماند.

۴ آنچه در این مقاله می آید اشاره ای است به یکی از زوایای گزارش حدیث غدیر، و آن حضور زنان در نقل این واقعه مبارک است. اگر تعداد بانوانی که نام آنان به عنوان «راوی» داستان غدیر در تاریخ و کتب حدیث مانده است با آنچه در موارد دیگر که توسط آنان گزارش شده مقایسه گردد، خواهیم دید که حضور زنان در نقل ماجرای غدیر رخم و یا استدلال به آن، حضوری چشمگیر است و حتی بیش از موضوعات دیگری است که آنان در طریق نقل آن قرار گرفته اند.

از نکات قابل توجه در همین زمینه، که شرح آن خواهد آمد، سلسله سندی است که در میان بانوان اهل بیت (ع) در خصوص حدیث غدیر وجود دارد: بترتیب پنج «فاطمه» که هر یک عمه دیگری است در طریق روایت قرار گرفته اند، آغاز آنان ظاهراً فاطمه معصومه (س) و در نهایت فاطمه زهرا (س) است که ششمین «فاطمه» در طریق روایت است.

در مقام احتجاج به حدیث غدیر نیز به عنوان نمونه باید از بانوی «دارمیّه حجونیّه» نام برد که شرح آن در ادامه خواهد آمد. اینان زنانی هستند که در کتب اهل سنت نیز به عنوان راوی حدیث غدیر به شمار رفته اند.

با توجه به عنایت ویژه پیامبر (ص) به حضور مسلمانان در این رخداد، به همراه آوردن همه همسران خود و اهل بیت خویش و نیز شیوه ای که آن حضرت (ص) در ابلاغ مأموریت الهی معرفی مجدد علی (ع) در روز غدیر، اتخاذ کرد، طبیعی بود که زنان بسیاری نیز مستقیماً شاهد ماجرا باشند.

در برشماری بانوانی که حدیث غدیر را روایت کرده اند، نخست به معرفتی کسانی می پردازیم که جزء صحابه پیامبر (ص) به شمار می روند؛ آنگاه نام چند نفر از تابعین را بازگو می کنیم و سپس از دو تن از زنانی که در مقام احتجاج و استدلال به این حدیث شریف استناد جسته اند یاد می کنیم.

حضرت فاطمه زهرا

روایت غدیر به نقل از حضرت فاطمه (س) را «ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید همدانی» معروف به «ابن عقده» (متوفای ۳۳۳.ق) در کتابی که ویژه حدیث غدیر نگاشته آورده است. این کتاب همان است که مرحوم سید بن طاوس به نسخه ای از آن اشاره می کند که تاریخ کتابت آن سه سال پیش از درگذشت مصنف، یعنی در سال ۵۳۳۰.ق است و خطّ شیخ طوسی و بزرگانی از علمای اسلام بر آن نقش بسته است و در نزد ابن طاوس بوده است. [۷] او حدیث غدیر را در این کتاب از یکصد و پنجاه طریق نقل می کند، از جمله از صدیقه کبرا (س). [۸].

شمس الدین محمد بن محمد شافعی، معروف به ابن الجزری، (متوفای ۸۳۳.ق) که کتاب «اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب» را درباره اثبات تواتر حدیث غدیر نگاشته و حدیث را از هشتاد طریق نقل کرده نیز روایت غدیر را از طریق آن حضرت (س) نقل کرده است. [۶] و نیز شیخ منصور رازی، دارنده کتاب «حدیث غدیر» آن را از حضرت (س) روایت کرده است. [۷].

شهاب الدین سید علی بن شهاب بن محمد همدانی (متوفای ۷۸۶.ق) صاحب کتاب «مودة القربی» نیز این روایت را از حضرت فاطمه (س) نقل می کند:

قالت: قال رسول الله (ص): «من كنت وليه فعليّ وليه، ومن كنت امامه فعليّ امامه». [۸].
احتجاج حضرت (س) به حدیث غدیر را نیز در ادامه خواهیم آورد.

ام سلمه، همسر پیامبر

«ابن عقده» به سند متصل از امّ سلمه این روایت را بازگو می کند:
اخذ رسول الله (ص) بيد عليّ بغدير خم فرقعها حتى رأينا بياض ابطيه فقال: من كنت مولاه فعليّ مولاه. ثم قال: «أيها الناس! اني مخلف فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي ولن يتفرقا حتى يردا عليّ الحوض». [۹].

این روایت را همچنین شیخ احمد بن فضل بن محمد باکثیر شافعی، (متوفای ۱۰۴۷.ق) در کتاب «حسن المال فی مناقب الآل» خویش به نقل از «ابن عقده» آورده است. نیز همین روایت را نورالدین علی بن عبدالله بن احمد سمهودی شافعی، (متوفای ۹۱۱.ق) در کتاب «جواهر العقدين» به نقل از «ینابيع المودة»، از امّ سلمه روایت می کند. [۱۰].

ام هانی، خواهر علی

حافظ احمد بن عمرو بصری، معروف به بزاز (متوفای ۲۹۲.ق) در «مسند» خویش به نقل از امّ هانی چنین روایت کرده است:
رجع رسول الله (ص) من حجّته حتّى نزل بغدير خمّ ثمّ قام خطيباً بالهاجرة فقال: أيها الناس! [۱۱!...].

همین روایت را سمهودی شافعی به نقل از بزّاز، به نقل از قندوزی حنفی در «ینابيع المودة» آورده است و ابن عقده نیز به سند خویش، همان را از امّ هانی نقل می کند. [۱۲].

فاطمه بنت حمزه بن عبدالمطلب

فاطمه دختر حمزه سید الشهداء (س) نیز از راویان حدیث غدیر است و روایت او را «ابن عقده» در کتاب یاد شده او و نیز شیخ منصور رازی در کتاب «الغدیر» خود آورده اند. [۱۳].

اسماء بنت عمیس

اسماء بنت عمیس، همسر جعفر بن ابی طالب است که به همراه شوهرش از مهاجران به حبشه بود و پس از شهادت جعفر(ع) به همسری ابوبکر درآمد. عبدالله بن جعفر، همسر زینب(س)، فرزند او از جعفر(ع) است و محمد بن ابی بکر، فرزند دیگر او از ابوبکر است. او بانویی بزرگوار و مورد احترام بود. گفته اند سه فرزند خویش عبدالله، محمد و عون را در سالهای هجرت به حبشه به دنیا آورد. ابن سعد این روایت را درباره او نقل می کند که اسماء به پیامبر(ص) گفت:

یا رسول الله! ان رجلاً یفخرون علینا ویزعمون انا لسنا من المهاجرین الاوّلین. فقال: بل لکم هجرتان. [۱۴].

که ظاهراً اشاره پیامبر(ص) به هجرت از مکه به حبشه به مدینه است.

حدیث اسماء درباره غدیر را ابن عقیله به سندی متصل روایت می کند. [۱۵].

عایشه بنت ابی بکر

یکی دیگر از راویان حدیث غدیر، عایشه همسر پیامبر اکرم(ص) است که روایت او را ابن عقیله در همان کتاب ویژه ای که درباره این حدیث نگاشته آورده است. [۱۶] جای شگفتی نیست که عایشه نیز این حدیث مبارک را نقل کرده باشد؛ چرا که پدرش ابی بکر نیز از راویان غدیر است. [۱۷] چنانکه عمر بن خطاب نیز حدیث غدیر را نقل کرده است؛ از جمله این مفاد را که شهاب الدین همدانی در «مودة القربی» از عمر روایت کرده است:

قال: نصب رسول الله(ص) علیاً علماً فقال: «من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه، واخذل من خذله، وانصر من نصره. اللهم أنت شهيدى عليهم». قال عمر بن الخطاب: يا رسول الله! و كان فى جنبى شاب حسن الوجه طيب الريح، قال لى: يا عمر! لقد عقد رسول الله عقداً لا يحلّه الا منافق. فأخذ رسول الله بىدى فقال: يا عمر! انه لیس من ولد آدم لكنّه جبرائیل أراد يؤكّد علیکم ما قلته فى علی. [۱۸].

تابعین

ام کلثوم بنت امیر المؤمنین

از بانوانی که حدیث غدیر را به واسطه نقل می کند ام کلثوم دختر امیر المؤمنین علی(ع) است. ام کلثوم که در زمان رحلت پیامبر اکرم(ص) طفل کوچکی بود ماجرای احتجاج مادر بزرگوارش حضرت فاطمه(س) به حدیث غدیر را نقل کرده است که شرح آن خواهد آمد.

فاطمه و سکینه دختران سید الشهدا

این دو نیز حدیث غدیر را از عمه شان ام کلثوم روایت می کنند و شرح آن در روایت «فاطمه ها» خواهد آمد.

عایشه بنت سعد بن ابی وقاص

او حدیث غدیر را از پدرش «سعد» شنیده است و برای مهاجرین مسمار نقل کرده است. روایت سعد را بیش از ده نفر از راویان روایت کرده اند که یکی از آنان دخترش عایشه (متوفای ۱۱۷ه.ق) است. مضمون این نقلها نشان می دهد که سعد به مناسبتهای مختلف به بیان مناقب امیر المؤمنین(ع) از جمله داستان غدیر می پرداخته است. [۱۹] روایت عایشه را سفیان بن عیینه نیز نقل کرده

است ولی ظاهراً به واسطه همان مهاجر بن مسمار؛ زیرا سفیان در زمان درگذشت عایشه ده ساله بوده است، مگر اینکه بپذیریم سعد بن ابی وقاص دو دختر به نام «عایشه» داشته است: عایشه بزرگ و عایشه کوچک. چنانکه «ابن حجر» بر آن تأکید دارد و عایشه بزرگ را متولد زمان پیامبر (ص) می‌داند و معتقد است عایشه کوچک پس از آن متولد شده است و عایشه کوچک همان است که مالک بن انس (متولد ۹۳ ه.ق) نیز او را درک کرده است. [۲۰] در این صورت باید گفت حدیث غدیر را هر دو دختر سعد روایت کرده اند. چنانکه عامر و مصعب، پسران او نیز آن را از پدر خویش روایت نموده اند. به هر روی، روایت مهاجر بن مسمار را احمد بن علی نسائی، صاحب سنن معروف نسائی، (متوفای ۳۰۳ ه.ق) در کتاب «خصائص علی» در دو جا آورده است: نقل نخست آن با سندی که به مهاجر بن مسمار دارد چنین است:

مهاجر بن مسمار بن مسلمة عن عایشة بنت سعد، قالت: سمعت أبا یقول: سمعت رسول الله (ص) یوم الجحفة فأخذ بید علی فخطب فحمد الله وأثنی علیه ثم قال: أیها الناس انی ولیکم، قالوا: صدقت یا رسول الله، ثم أخذ بید علی فرفعها فقال: «هذا ولیی ویؤدی عنی دینی، وأنا موالی من والاه، ومعادی من عاداه.»
 ودر نقل دیگر با همان سند آورده است:

عن مهاجر بن مسمار قال: أخبرتنی عایشة بنت سعد عن سعد قال: کنا مع رسول الله (ص) بطریق مکة وهو متوجه الیها [المدينة] فلما بلغ غدیر خم وقف للناس ثم رد من تبعه ولحقه من تخلف فلما اجتمع الناس الیه قال: أیها الناس من ولیکم؟ قالوا: الله ورسوله. ثلاثاً ثم أخذ بید علی فأقامه ثم قال: «من كان الله ورسوله ولیه فهذا ولیه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه.» [۲۱].

عمیره بنت سعد بن مالک

برخی «عمیره» دختر سعد بن مالک را نیز در شمار تابعینی شمرده اند که حدیث غدیر را به نقل از صحابه روایت کرده اند. به این بیان که «عمیره» از جمله کسانی است که ماجرای معروف اجتماع «رحبه» در کوفه را که پیشتر آوردیم بازگو کرده است و مرحوم علامه امینی نیز بر همین اساس وی را در شمار تابعین راوی حدیث آورده است. [۲۲] ولی در ادامه تأکید ورزیده که این موضوع اشتباه است و «عمیره» ای که راوی ماجرای رحبه است پسر سعد همدانی کوفی است و نه دختر سعد بن مالک مدنی، و این اشتباه ناشی از تصحیفی است که صورت گرفته است. [۲۳] بر این اساس نباید عمیره را فردی جز عمیره بن سعد همدانی شمرد. یکی دیگر از بانوانی که به حدیث غدیر اشاره دارد و باید او را از تابعین به شمار آورد «دارمیه حجونی» است که در بخش بعدی به عنوان استدلال کنندگان به حدیث غدیر شرح جریان او بتفصیل خواهد آمد.

استدلال کنندگان

فاطمه زهرا

چنان که پیشتر اشاره شد ماجرای غدیر به دلیل شهرت و اهمیت و دلالت روشنی که بر حقانیت و فضیلت بی نظیر علی (ع) می‌کند، بارها و بارها در همان سالهای نخست توسط شخصیت‌های مختلف و در موارد گوناگون مورد استدلال و احتجاج قرار گرفته است. مرحوم علامه امینی نام حدود بیست نفر از آنان را با تفصیل احتجاج‌هایشان آورده است. در میان آنان نام کسانی چون خود علی (ع) در موارد مختلف، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، عبدالله بن جعفر، عمار یاسر، قیس بن سعد، و نیز عمرو بن عاص، عمر بن عبدالعزیز و مأمون عباسی به چشم می‌خورد. از جمله بانوانی که در اثبات حقانیت امیرالمؤمنین علی (ع) به حدیث شریف غدیر احتجاج کرده است حضرت صدیقه کبرا (س) است. از آنجا که سلسله سندی که احتجاج حضرت (س) را روایت کرده ویژگی

منحصر به فردی دارد شرح آن را در بخش بعدی این بحث، جداگانه خواهیم آورد.

بانوی دارمیه حجونیه

یکی از بانوانی که از شیعیان امیر المؤمنین (ع) بود و به جریان غدیر در اثبات فضیلت و حقانیت آن حضرت (ع) استناد جسته است، شخصی است که نام اصلی وی ذکر نشده و به نام «دارمیه حجونیه» [۲۴] معروف است.

ابوالقاسم جارالله محمود بن عمر، معروف به زمخشری، (متوفای ۵۳۸ ه.ق) و صاحب تفسیر معروف «کشاف» در باب چهل و یکم کتاب «ربیع الابرار» داستان مقابله و احتجاج این بانوی گرامی در برابر معاویه را بتفصیل آورده است که بخشی از آن را علامه امینی در «الغدیر» بازگو کرده است. [۲۵] اصل احتجاج با تفاوت‌هایی در نقل، در برخی منابع دیگر اهل سنت نیز آمده است. [۲۶]. این جریان بر شهرت، صلابت، شجاعت و توانایی حضرت گواهی می‌دهد و ما مشروح آن را به همین انگیزه و براساس نقل زمخشری بازگو می‌کنیم:

سالی معاویه به حج رفت و در پی زنی که به نام «دارمیه حجونیه» خوانده می‌شود فرستاد. این زن از شیعیان علی (ع) بود. زنی سیاه چهره و قوی هیکل. معاویه پرسید: حالت چطور است ای فرزند حام؟ [۲۷].

گفت: به خیرم، و «حام» نیستم. من زنی از قبیله بنی کنانه ام.

گفت: درست گفتی؛ آیا می‌دانی برای چه تو را فراخواندم؟

گفت: سبحان الله! من غیب نمی‌دانم.

گفت: تا از تو پیرسم چرا علی را دوست داشتی و مرا دشمن، و با او دوستی کردی و با من دشمنی؟

گفت: آیا مرا از پاسخ معاف می‌داری؟

گفت: نه.

گفت: حالا- که نپذیرفتی پس بگویم که من علی را به دلیل عدالتش در مردم و تقسیم یکسانش دوست داشتم، و با توجه به دلیل درگیری و مخالفت با کسی که از تو برای حکومت سزاوارتر بود و درخواستت نسبت به چیزی که برای تو نیست، دشمنی و عداوت ورزیدم، [و اضافه کرد:] و والیت علیاً علی ما عقد له رسول الله (ص) من الولاية يوم خم بمشهد منک. برای محبتش نسبت به بیچارگان و بزرگ داشتن دینداران، و با تو دشمنی کردم به دلیل خونریزی‌ها و تفرقه اندازیت و به علت متفرق ساختن صفوف یکپارچه مسلمانان و ستم پیشگی ات در قضاوت و داوری ات براساس هوای نفس.

معاویه گفت: فلذلک انتفخ بطنک وعظم ثدیاک وربت عجیزتک [وبدین گونه مرتکب اهانت به این بانوی بزرگوار شد.]

دارمیه گفت: به خدا سوگند این مطلب، ضرب المثلی بود که درباره هند [مادر معاویه] در نزد پدرم زده می‌شد! [یعنی آنچه گفتی بروشنی شایسته مادرت هند است.]

معاویه گفت: به خودت ارفاق کن و خودداری کن. ما که حرف خوبی گفتیم. «انه اذا انتفخ بطن المرأة ثم خلق ولدها و اذا عظم ثدیاها تروی رضيعها و اذا عظمت عجیزتها رزن مجلسها». [و بدین وسیله خواست اهانت خویش را توجیه کند.] دارمیه آرام گرفت و ساکت شد.

معاویه گفت: آیا علی را دیده‌ای؟

گفت: بله، به خدا سوگند.

گفت: او را چگونه یافتی؟

گفت: به خدا سوگند او را دیدم در حالتی که حکومتی که تو را مفتون ساخته او را مفتون نکرده بود و نعمتی که تو را مشغول

ساخته او را به خود مشغول نکرده بود.

گفت: آیا سخن او را نیز شنیدی؟

گفت: آری، به خدا سوگند، کوری را از قلبها می زدود همان گونه که روغن، زنگار ظرف را می برد.

گفت: راست گفتی. آیا نیازی نیز داری؟

گفت: آیا اگر از تو درخواست بکنم انجام می دهی؟

گفت: آری.

گفت: یکصد شتر سرخ موی نر به همراه چوپانشان.

گفت: با اینها چه می کنی؟

گفت: با شیر آنها کودکان را تغذیه می کنم و با خود آنها بزرگسالان را زندگی می بخشم و کسب کرامت می کنم و میان خویشان صلح و صفا برقرار می کنم.

گفت: اگر اینها را به تو بدهم، آیا پیش تو جایگاه علی بن ابی طالب را خواهم یافت؟ [دارمیه در پاسخ یادآور چند ضرب المثل گویا و دندان شکن شد: آب، اما نه چون «صداء» [که گواراترین چشمه است] چراگاه، اما نه چون «سعدان» [که از بهترین گیاهان چراگاهی برای شتر است] و جوان، اما نه چون مالک [که الگوی جوانمردی در میان ضرب المثلهای عرب بوده است]. ای عجب! بلکه حتی پایینتر از اینها.

[با این پاسخ کوبنده دارمیه، معاویه دو بیت شعر گفت با این مضمون که: اگر من بر شما بردباری نکنم، پس از من از چه کسی باید امید بردباری داشت! اینها را به گوارایی بگیر و رفتار فرد بزرگواری را یاد کن که در مقابل عداوت و دشمنی، به تو پاداش آشتی و سلامتی می دهد!]

بعد اضافه کرد: به خدا سوگند اگر علی زنده بود از اینها هیچ چیزی به تو نمی داد.

دارمیه گفت: نه به خدا نمی داد، و حتی یک موی از مال مسلمانان را! [۲۸].

[و بدین گونه فهماند که اینها حق مسلمانان است و تو از مال خودت چیزی نداری که به این و آن بدهی].

حدیث غدیر در روایت فاطمه ها

اشاره

چنان که اشاره شد یکی از نکات بسیار جالب توجه در نقل حدیث غدیر، روایت آن از طریق سندی است که ویژگی آن در نقل حدیث غدیر، منحصر به فرد است و نشان دهنده عنایت خاصی است که در خانواده امامان شیعه (ع) به نقل این حدیث با حفظ سلسله سند وجود داشته است. یک ویژگی این روایت این است که راویان آن همه از بانوان ارجمند و از خاندان اهل بیت (ع) اند. ویژگی دیگر این که در تمام سند نام بانوانی که از عمه خویش روایت می کنند «فاطمه» است.

ویژگی سوم این که همه راویان، روایت را از «عمه» خویش نقل می کنند تا به ام کلثوم، دختر فاطمه زهرا (س) می رسد و او نیز گفته مادرش فاطمه (س) را نقل می کند. دیگر اینکه این روایت در یکی از کتابهای اهل سنت آمده است و با بیست واسطه به پیامبر اکرم (ص) می رسد و در سلسله مشایخ صاحب کتاب نیز یکی از بانوان اهل فضل به نام «زینب» و با کنیه «ام محمد» دختر احمد بن عبدالرحیم، اهل بیت المقدس قرار گرفته است. در برخی منابع شیعی روایتی در فضل امیرالمؤمنین (ع) و شیعیان حضرت (ع) با همین سند و البته با افزایش یک «فاطمه» دیگر آمده است که متن آن را نیز در پایان خواهیم آورد.

نکته دیگر در سند این حدیث این است که آخرین راوی این حدیث از خاندان اهل بیت (ع) که روایت را برای شخصی به نام «بکر بن احمد»، نقل کرده است، سه نفر از دختران امام موسی بن جعفر (ع) از جمله «فاطمه» هستند که ظاهراً همان فاطمه معصومه (س) است و این از معدود روایاتی است که حضرت معصومه (س) آن را روایت کرده است. و اما متن روایت:

روایت فاطمه ها

شمس الدین محمد بن محمد دمشقی شافعی، معروف به ابن الجزری، (متوفای ۸۳۳ ه.ق) روایت غدیر را به طرق مختلف در کتاب خود «اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابیطالب» آورده است؛ از جمله طریق مورد بحث را. مناسب است رشته کلام را به خود «ابن الجزری» واگذار کنیم:

وألطف طریق وقع لهذا الحدیث وأغر به ما حدّثنا به شیخنا خاتمة الحفظ أبو بکر محمد بن عبد الله بن المحب المقدسی مشافهةً، أخبرتنا الشیخة أمّ محمد زینب ابنة أحمد بن عبد الرحیم المقدسیة، عن أبي المظفر محمد بن فتیان بن المثنی، أخبرنا أبو موسی محمد بن أبي بکر الحافظ، أخبرنا ابن عمّة والدی القاضي أبو القاسم عبد الواحد بن محمد بن عبد الواحد المدني بقرائتی علیه، أخبرنا ظفر بن داعی العلوی باسرا بآباد، أخبرنا والدی وأبو أحمد بن مطرف المطرفی قالوا: حدّثنا أبو سعید الادریسی أجازةً فیما أخرجہ فی تاریخ أسترآباد، حدّثنی محمد بن الحسن أبو العباس الرشیدی من ولد هارون الرشید بسمرقند و ما کتبناه الآ عنه، حدّثنا أبو الحسن محمد بن جعفر الحلوانی، حدّثنا علی بن محمد بن جعفر الأهوازی مولی الرشید، حدّثنا بکر بن أحمد القصری [۲۹]، حدّثنا فاطمه وزینب و أمّ کلثوم بنات موسی بن جعفر (ع) قلن حدّثتنا فاطمة بنت جعفر بن محمد الصادق حدّثتی فاطمة بنت محمد بن علی، حدّثتی فاطمة بنت علی بن الحسین، حدّثتی فاطمة وسکینه ابنتا الحسین بن علی عن أمّ کلثوم بنت فاطمة بنت النبی عن فاطمة بنت رسول الله صلّی الله علیه وسلّم ورضی عنها قالت:

أنسیتم قول رسول الله (ص) يوم غدیر خمّ، من كنت مولاہ فعلی مولاہ؟ وقوله (ص): أنت منی بمنزلة هارون من موسی علیهما السلام؟ [۳۰].

همین حدیث را با این سند، یکی دیگر از علمای اهل سنت به نام ابو موسی مدینی در کتاب خویش که ویژه چنین روایاتی است آورده و آن گاه افزوده است:

هذا الحدیث مسلسل من وجه وهو انّ کلّ واحدة من الفواطم تروی عن عمّة لها، فهو رواية خمس بنات أخ کلّ واحدة منهن عن عمّتها. [۳۱].

نمودار سند ابن الجزری در روایت فاطمیات

ابن الجزری، صاحب کتاب «اسنی المطالب»

ابو بکر محمد بن عبد الله بن المحب المقدسی

أمّ محمد زینب بنت احمد بن عبد الرحیم المقدسیة

ابی المظفر محمد بن فتیان بن المثنی

ابو موسی محمد بن ابی بکر الحافظ

القاضي أبو القاسم عبد الواحد بن محمد بن عبد الواحد المدني

ظفر بن داعی العلوی

داعی العلوی ابو احمد بن مطرف المطرفی

ابو سعید الادریسی

محمد بن محمد بن الحسن أبو العباس الرشیدی

أبو الحسن محمد بن جعفر الحلوانی

علی بن محمد بن جعفر الأهوازی

بکر بن احمد القصری (العصری)

فاطمه بنت موسی بن جعفر (ع) زینب بنت موسی بن جعفر (ع) امّ کلثوم بنت موسی بن جعفر (ع)

فاطمه بنت جعفر بن محمد (ع)

فاطمه بنت محمد بن علی (ع)

فاطمه بنت علی بن الحسین (ع)

فاطمه بنت الحسین بن علی (ع) سکینه بنت الحسین بن علی (ع)

امّ کلثوم بنت فاطمه (س)

فاطمه بنت رسول الله (ص)

محمد بن عبد الله النبی الاکرم (ص)

چنانکه اشاره شد حدیث دیگری نیز با همین سند ولی با اضافه یک «فاطمه» دیگر درباره فضیلت امیرالمؤمنین (ع) و شیعیانش وارد شده است. آن «فاطمه» نیز دختر امام علی بن موسی الرضا (ع) است که روایت را از سه عمه بزرگوارش فاطمه معصومه، زینب و امّ کلثوم (س) نقل می کند. این حدیث را مرحوم علامه مجلسی از کتاب «مسلسلات» جعفر بن علی بن احمد قمی این گونه نقل کرده است:

حدّثنا محمد بن علی بن الحسین قال: حدّثنی أحمد بن زیاد بن جعفر قال: حدّثنی أبو القاسم جعفر بن محمد العلوی العریضی، قال: قال أبو عبد الله أحمد بن محمد بن خلیل: قال: أخبرنی علی بن محمد بن جعفر الأهوازی [۳۲] قال: حدّثنی بکر بن أحنف [۳۳] قال: حدّثنا فاطمه بنت علی بن موسی الرضا (ع) قالت: حدّثنی فاطمه وزینب و امّ کلثوم بنات موسی بن جعفر (ع)، قلن: حدّثنا فاطمه بنت جعفر بن محمد (ع) قالت: حدّثنی فاطمه بنت محمد بن علی (ع) قالت: حدّثنی فاطمه بنت علی بن الحسین (ع) قالت: حدّثنی فاطمه وسکینه ابنتا الحسین بن علی (ع) عن امّ کلثوم بنت علی (ع) عن فاطمه بنت رسول الله (ص) قالت: سمعت رسول الله (ص) يقول: لَمَّا أُسْرِی بئِ الی السماء دخلت الجنّة فاذا أنا بقصر من درّة بیضاء مجوّف، وعليها باب مکّلل بالدرّ والیاقوت، وعلى الباب ستر فرفعت رأسی فاذا مكتوب علی الباب: «لا اله الاّ الله محمد رسول الله علیّ ولیّ القوم» واذا مكتوب علی الستر: «بَخَّ بَخَّ مَنْ مثله شیعه علیّ؟» فدخلته فاذا أنا بقصر من عقیق أحمر مجوّف، وعليه باب من فضة مکّلل بالزبرجد الأخضر، واذا علی الباب ستر، فرفعت رأسی فاذا مكتوب علی الباب: «محمد رسول الله، علیّ وصیّ المصطفى» واذا علی الستر مكتوب: «بَشَّرَ شیعه علیّ بطیب المولد». فدخلته فاذا أنا بقصر من زمرد أخضر مجوّف لم أر أحسن منه، وعليه باب من یاقوتة حمراء مکّلة باللؤلؤ وعلى الباب ستر فرفعت رأسی فاذا مكتوب علی الستر: «شیعه علیّ هم الفائزون»، فقلت: حبیبی جبرئیل لمن هذا؟ فقال: «یا محمد لابن عمّک ووصیّک علیّ بن ابی طالب (ع) محشر الناس کلّهم یوم القیامة حفاة عراة الاّ شیعه علیّ ویدعی الناس بأسماء أمّهاتهم ما خلا شیعه علیّ فانهم یدعون بأسماء آبائهم»، فقلت: حبیبی جبرئیل وکیف ذاک؟ قال: «لأنّهم أحبّوا علیّاً فطاب مولدهم». [۳۴].

پاورقی

- [۲] همان، ص ۱۹۶.
- [۳] همان، ص ۱۶۶۱۸۶.
- [۴] اقبال الأعمال الحسنه، سید بن طاوس، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۲، ص ۲۳۹.
- [۵] الغدیر، ج ۱، ص ۵۸.
- [۶] همان، ص ۵۸ و ۱۵۶.
- [۷] همان، ص ۵۸.
- [۸] همان.
- [۹] همان، ص ۱۷.
- [۱۰] همان.
- [۱۱] همان، ص ۱۸.
- [۱۲] همان.
- [۱۳] همان، ص ۵۸.
- [۱۴] الأصابة فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۹.
- [۱۵] الغدیر، ج ۱، ص ۱۷.
- [۱۶] همان، ص ۴۸.
- [۱۷] همان، ص ۱۶.
- [۱۸] همان، ص ۵۶۵۷.
- [۱۹] تفصیل این موارد را می‌توانید در الغدیر، ج ۱، صص ۳۸۴۲ ملاحظه کنید.
- [۲۰] الاصابة فی معرفه الصحابه، ج ۸، ص ۱۴۱.
- [۲۱] الغدیر، ج ۱، ص ۳۸.
- [۲۲] همان، ص ۶۹.
- [۲۳] همان، ص ۱۸۲.
- [۲۴] منسوب به «داروم» قلعه ای در فلسطین که بعد از «غزه» در ساحل دریا واقع شده و «بنوحام» در آن ساکن بوده بودند. «حجون» نیز محله ای معروف در شهر مکه است که کشتار وحشیانه ششم ذوالحجه توسط حکام سعودی در همین منطقه صورت گرفت. این بانو به خاطر سکونتش در این قسمت مکه با عنوان «حجونیه» معروف شده است.
- [۲۵] الغدیر، ج ۱، ص ۲۰۸.
- [۲۶] ر.ک: بلاغات النساء، ص ۷۲؛ العقد الفرید، ج ۱، ص ۳۵۲؛ صبح الاعشی، ج ۱، ص ۲۵۹؛ اعیان الشیعہ، ج ۶، ص ۳۶۴؛ اعلام النساء المؤمنات، ص ۳۳۳.
- [۲۷] احتمالاً- با توجه به شهرت این زن به عنوان «دارمیه» معروف به انتساب به قبیله «بنی حام» شده است و یا معاویه تنها به انگیزه عیب جویی و بیان اینکه تو از عرب نیستی، این گونه او را مخاطب ساخته است. لذا در نقل عقدالفرید در پاسخ او به معاویه آمده است که: اگر مرادت عیبجویی از من است، من ازحام نیستم؛ من زنی از بنی کنانه ام.
- [۲۸] ربیع الأبرار، باب ۴۱؛ اعلام النساء المؤمنات، ص ۳۳۳؛ اعیان الشیعہ، ج ۶، ص ۳۶۴ (به نقل از عقدالفرید).
- [۲۹] بکر بن احمد که در اینجا با عنوان «قصری» آمده است، ظاهراً همان «بکر بن احمد العصری» است که در کتب رجال از او نام

برده شده و دارای کتاب مناقب بوده است. او از «عَصِیر» شاخه ای از «عبدالقیس» است و گفته شده است که نیای او «أَشْج» بر پیامبر اکرم (ص) وارد شد و حضرت (ص) نخستین بار او را با عنوان «أَشْج» مخاطب ساخت.

[۳۰] الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۶۱۹۷.

[۳۱] همان، ص ۱۹۷.

[۳۲] همان «علی بن محمد بن جعفر الاهوازی» است که در سند «ابن الجزری» با عنوان «مولى الرشید» نام برده شد.

[۳۳] به نظر می رسد «بکر بن احنف» همان «بکر بن احمد» است که در سند «ابن الجزری» واقع شده بود و کلمه «احنف» تصحیف همان «احمد» است. چنانکه راوی از «بکر» نیز در هر دو روایت یکی است و در کتب رجال نیز نامی از «بکر بن احنف» برده نشده است. شاهد دیگر اینکه مرحوم شیخ صدوق روایتی را از «بکر بن احمد بن محمد» از «فاطمه بنت الرضا(ع)» نقل می کند که کسی جز همین «بکر بن احمد» نیست. (ر.ک: عیون الاخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۸۸. در پاورقی بعد، متن حدیث خواهد آمد. چنانکه گفتیم کلمه «القصری» نیز در روایت «ابن الجزری» مصحّف همان «العصری» است.

[۳۴] در اینکه آیا اساساً حضرت رضا(ع) فرزندی به جز امام محمد تقی(ع) داشته است یا نه، میان مورخان و ارباب تراجم اختلاف است. برخی تا شش فرزند (پنج پسر و یک دختر به نام عایشه) برای حضرت(ع) ذکر کرده اند و برخی نیز چون شیخ مفید در الارشاد، به جز حضرت جواد(ع) فرزند دیگری را برای حضرت(ع) ثابت نمی دانند. ابن شهر آشوب، فقط یک فرزند برای حضرت(ع) قائل است که همان حضرت جواد(ع) باشد. برخی نیز علاوه بر امام جواد(ع) از فرزند دیگری به نام موسی نام برده اند، و برخی نیز پنج فرزند بر شمرده اند (چهار پسر به نامهای محمد، جعفر، حسن، ابراهیم، و یک دختر)؛ ر.ک: اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۳؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۶۷.

از روایت در متن و نیز روایت دیگری که مرحوم شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا(ع) آورده و به آن اشاره شد، به صراحت استفاده می شود که حضرت رضا(ع) دختری به نام «فاطمه» داشته است. متن روایت صدوق چنین است:

محمد بن احمد بن الحسین، عن علی بن محمد بن عبسۀ، عن بکر بن احمد بن محمد، عن فاطمة بنت الرضا، عن أبيها، عن أبيه، عن جعفر بن محمد، عن أبيه و عمّه زید، عن أبيهما علی بن الحسین، عن أبيه و عمّه، عن علی بن ابی طالب علیهم السلام عن النبی صلی الله علیه وآله قال: «من كَفَّ غضبه كَفَّ الله عنه عذابه ومن حسن خلقه بلغه الله درجة الصائم القائم». (عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۸۸).

از این رو با توجه به مجموع گفته های یاد شده و با عنایت به نامهایی که برای فرزندان حضرت(ع) بر شمرده اند می توان گفت امام رضا(ع) را دارای حداقل یک فرزند و حداکثر هشت فرزند دانسته اند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

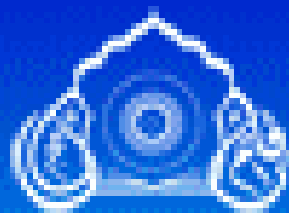
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

